

گزارشی از تغییر نام دو معبر قدیمی شهر

مردم همان نام قدیمی را می‌شناسند



مراسم نام‌گذاری و نصب تابلو بلوار شهدای نیروی انتظامی، در امتداد بلوار مالکاشتر

گروه خبر
سالیان سال می‌گذرد اما هنوز نه نام رضوی برای چهارراه اشکنری جا افتاده و نه میدان قدس برای فلکه گیتی‌نورد و کسی چهارراه شهسوار را چهارراه انصار نمی‌خواند. مردم به نام کوچمه‌ها و خیابان‌ها عادت می‌کنند و با آنها مانوس می‌شوند، خاطراتشان با این نام‌ها پیوند می‌خورد و سخت از آنها دل می‌کنند. تغییر نام خیابان‌های سیرجان از سوی افرادی که نمایندگان مردم در شورای هستند به گونه‌ای نیست که مورد انتظار مردم باشد. طی روزهای گذشته شورای شهر سیرجان دو تغییر در نام خیابان‌های قدیمی را تصویب کرده‌است؛ به پیشنهاد کمسیون فرهنگی خیابان وحید به حسین‌خان بچقاچی تغییر پیدا خواهد کرد و مورد دوم هم مربوط به پیشنهاد

فرمانده انتظامی است. با حضور وی در صحن علنی شورا و بدون مطرح شدن این پیشنهاد در کمسیون فرهنگی، بلوار مالکاشتر از چهارراه مازگ تا میدان پارسا به نام بلوای شهدای نیروی انتظامی تغییر کرد. این تغییر نام صبح‌شنبه طی مراسمی و با حضور مسئولان شهر و نصب تابلویی با شکل و فونتی متفاوت از دیگر تابلوهای شهر رسمیت یافت. این در حالی‌ست که روال قانونی تغییر نام به درستی رعایت نشده و هنوز نامه کتبی تأیید آن از کمیته تطبیق فرمانداری به شورای شهر نرسیده بود. ظاهراً عملی تغییر نام در هفته نیروی انتظامی می‌تواند مجریان نظم و قانون را به دور زدن از چیزی که برای اجرائش سوگند خورده‌اند، مجاب کند.

عده‌ای به خواست و میل خودشان

هر اسمی را روی هر نقطه‌ای می‌گذارند

هیچ یک از شهروندان با نامگذاری معبری به نام حسین‌خان بچقاچی و شهدای نیروی انتظامی مخالفتی ندارد اما اکثر ایشان با تغییر نام خیابان‌های قدیمی مخالفند. این که مردم با نام‌های جدیدی که روی خیابان‌ها می‌گذارند چقدر ارتباط برقرار می‌کنند موضوعی است که به نظر می‌آید نامگذاری شورای شهر توجه چندانی به آن ندارند. یکی از مشاوران املاک می‌گوید: «این‌جا روی تابلوها نامش هر چه باشد، مهم آن چیزی که می‌گوینم می‌ویسینم که بلوار مالکاشتر است. نمی‌توانیم از فردا در آگهی‌ها بنویسیم. خانه ۱۲۰ متری در شهدای نیروی انتظامی یا حسین‌خان بچقاچی خودتان فکر کنید؛ به نظر تان مردم به نام‌های خشنند؟» هموزی نام با نصب تابلوی «بلوار شهدای نیروی انتظامی» در بخشی از بلوار مالکاشتر نظر ساکنان این منطقه را بخوبی به این اقدام برسدیم. از نگاه مریم یکی از ساکنان خیابان‌های

فرعی این بلوار، تغییر نام این خیابان مطابق میل و نظر مردم نیست و از بی‌اعتنایی مسئولان تصمیم‌گیرنده دربار این تغییر گلایه دارد؛ «نظر ما مهم نیست چه فرقی می‌کند که من موافق باشم یا مخالف وقتی یک عده‌ای به خواست و میل خودشان هر اسمی را روی هر نقطه‌ای می‌گذارند. وقتی اعتراض می‌کنیم می‌گویند کار شورا است، آنها نماینده مردمند، چرا نام‌های قدیمی و آن اسمی که برای ما خاطره داشته‌اند دفاع نمی‌کنند؟» مصطفی از شهروندان قدیمی سیرجان معتقد است: «این که اسمی خیابان‌ها را تغییر می‌دهند، مثل این است که بعد از گذشت سال‌ها از عمرتان یک نفر به شما بگوید از امروز نام تو مصطفی نیست و مثلا علیرضا است. اسم کوچمه‌ها و خیابان‌ها را هم که تغییر می‌دهند آدم فکر می‌کند بخشی از گذشته و بخشی از هویت آدم نیست می‌شود.»

بهرتر بود یک تندیس از حسین‌خان بچقاچی می‌ساختند
هفته‌هاست صحبت از مصوبه تغییر نام خیابان وحید به نام حسین‌خان بچقاچی به میان آمده است. آن هم با این توجیه که بیشترین آمار ساکنان این خیابان از طایفه بچقاچی هستند. در خیابان وحید به میان افرادی رفته که از چند روز دیگر یک تابلوی جدید بالای سر خیابانی که در آن کار یا زندگی می‌کنند نصب می‌شود. محمد یکی از مغازه‌داران همین خیابان به «پاسارگاد» می‌گوید: «فردی نمی‌کند که نام این خیابان چه باشد، وحید یا حسین‌خان بچقاچی. مهم این است که مردم همان نام قدیمی آن را می‌شناسند و می‌گویند.» علی که سوپرمارکتی را در این خیابان راه اناره می‌کند می‌گوید: «از چند هفته پیش شنیده بودم می‌خواهند اسم این‌جا را تغییر دهند برای من فرقی نمی‌کند نام این خیابان چه باشد چون این‌جا را بچگی به نام انتخاب محل نامگذاری شهدای نیروی انتظامی را تصمیم کمسیون فرهنگی نمی‌داند؛ «هفته گذشته به مناسبت هفته نیروی انتظامی فرمانده انتظامی در جلسه علنی شورا حضور پیدا کردند.

این تغییر نام بر اساس نظر کمسیون فرهنگی نبود بلکه با اتفاق رای تمام اعضای شورا در صحن علنی انجام شد. کمسیون چند خیابان دیگر را هم برای نامگذاری به شهدای نیروی انتظامی پیشنهاد داد اما مجبور شدیم این مکان را انتخاب کنیم چرا که اولاً هفته نیروی انتظامی بود و می‌بایست خیلی‌ها به نام شهدای نیروی انتظامی بنگاریم، در ثانی این مکان با مشورت خود نیروی انتظامی انتخاب شد چرا که معتقد بودنده شهرک نیروی انتظامی در مجاورت این بلوار است و این قسمت مناسب‌ترین مکان است.»

پس نقش شما در ماندگاری مرکز کرمان شناسی در غالب شخصیت حقوقی شما بود؟
بنده از سنین نوجوانی دلبستگی زلانی به تاریخ کرمان داشتم. بنده از اولین روزهای انقلاب به مدت سی سال نویسنده برنامه‌های صبح‌رادیو کرمان بودم و معمولاً جنس مطالب عمدتاً مربوط به استان کرمان و تاریخ کرمان بود و تمام سعی بنده در جهت آشنایی مردم با تاریخ و فرهنگ کرمان بود. بنده به بنده تا اثر استاد باستانی پاریزی علاقه زیادی به تاریخ و فرهنگ کرمان دارم.

نقش استاد باستانی پاریزی در معرفی تاریخ و فرهنگ کرمان بسیار پر رنگ است. همکاری ایشان با مرکز کرمان شناسی به چه صورت بود؟
وقتی مرکز کرمان شناسی تشکیل دادیم، پاریزی در هیأت‌شورای عالی داشته‌باشند و مردم خود در بلستان پاریزی نیز عضو این شورا بودند. سایر شخصیت‌های برجسته فرهنگی کرمان نظیر مرحوم دکتر روح‌الامینی، مرحوم دکتر فرزام آقاییان مرادی کرمانی، دهایی و حتی نینز بودند.

در مورد سازمان اسناد ملی منطقه جنوب شرق صحبت کنیم که در واقع از دل مرکز کرمان شناسی بیرون آمده است.
یکی از کارهای برنامه‌ریزی شده‌ی شورای عالی کرمان شناسی در سال ۱۳۷۰ میلادی بود. روزی به ما اعلام کردند که در زیرزمین یک خانه مخروبه در یکی از محلات قدیمی کرمان چند گونی کاغذ باقی‌مانده است. با یکی از دوستان رفیقیم آنجا ماسکی به صورت زیم و دستمالی دور سر بستیم و شروع کردیم به بررسی این کشفها. توی این گونی‌ها چه اسناد از رشنمندی که به دست دربردم، پیشنهاد می‌کردم که اسناد ملی جنوب شرق را در شورای عالی مطرح کردیم. این موقع رئیس سازمان اسناد ملی مرحوم عباسی بود و ایشان بسیار استقبال کردند و قول همکاری دادند. ۴ میلیون برگ سند به ما داده شد. تعداد زیادی طبقه‌بندی شد، تعدادی در حال طبقه‌بندی شدن است. قریب شش میلیون برگ سند را ما تحویل دادیم. کتبخانه‌های درست کردیم که این کتبخانه در مرکز اسناد ملی موجود است. ساختنمی نیز از وزارت کشاورزی تحولی گرفتیم که مشترکاً مورد استفاده مردم کرمان شناسی و سازمان اسناد ملی جنوب شرق قرار می‌گیرد.

مرکز کرمان شناسی بود چه دولتی هم دارد؟
مرکز کرمان شناسی صاحب‌هیچ‌گونه دیفیو اعتبار نیست. مراکز زیادی نمونه‌ها مرکز کرمان شناسی داشتیم که به‌گونه‌ای که برای بودجه

دیگر را هم برای نامگذاری به شهدای نیروی انتظامی پیشنهاد داد اما مجبور شدیم این مکان را انتخاب کنیم چرا که اولاً هفته نیروی انتظامی بود و می‌بایست خیلی‌ها به نام شهدای نیروی انتظامی بنگاریم، در ثانی این مکان با مشورت خود نیروی انتظامی انتخاب شد چرا که معتقد بودنده شهرک نیروی انتظامی در مجاورت این بلوار است و این قسمت مناسب‌ترین مکان است.»

بهرتر بود یک تندیس از حسین‌خان بچقاچی می‌ساختند
هفته‌هاست صحبت از مصوبه تغییر نام خیابان وحید به نام حسین‌خان بچقاچی به میان آمده است. آن هم با این توجیه که بیشترین آمار ساکنان این خیابان از طایفه بچقاچی هستند. در خیابان وحید به میان افرادی رفته که از چند روز دیگر یک تابلوی جدید بالای سر خیابانی که در آن کار یا زندگی می‌کنند نصب می‌شود. محمد یکی از مغازه‌داران همین خیابان به «پاسارگاد» می‌گوید: «فردی نمی‌کند که نام این خیابان چه باشد، وحید یا حسین‌خان بچقاچی. مهم این است که مردم همان نام قدیمی آن را می‌شناسند و می‌گویند.» علی که سوپرمارکتی را در این خیابان راه اناره می‌کند می‌گوید: «از چند هفته پیش شنیده بودم می‌خواهند اسم این‌جا را تغییر دهند برای من فرقی نمی‌کند نام این خیابان چه باشد چون این‌جا را بچگی به نام انتخاب محل نامگذاری شهدای نیروی انتظامی را تصمیم کمسیون فرهنگی نمی‌داند؛ «هفته گذشته به مناسبت هفته نیروی انتظامی فرمانده انتظامی در جلسه علنی شورا حضور پیدا کردند.

این تغییر نام بر اساس نظر کمسیون فرهنگی نبود بلکه با اتفاق رای تمام اعضای شورا در صحن علنی انجام شد. کمسیون چند خیابان دیگر را هم برای نامگذاری به شهدای نیروی انتظامی پیشنهاد داد اما مجبور شدیم این مکان را انتخاب کنیم چرا که اولاً هفته نیروی انتظامی بود و می‌بایست خیلی‌ها به نام شهدای نیروی انتظامی بنگاریم، در ثانی این مکان با مشورت خود نیروی انتظامی انتخاب شد چرا که معتقد بودنده شهرک نیروی انتظامی در مجاورت این بلوار است و این قسمت مناسب‌ترین مکان است.»

که هویت شهری و نام خیابان‌های قدیمی و اصل آن تغییر نکند. این حرف‌ها را البته او و منتقدان دیگری شبیه به او می‌گویند اما گوش شنوایی در میان اکثریت شورا برای این حرف‌ها نیست و عده‌ای اصرار دارند که نام‌های قدیمی و اصل را از خیابان‌های شهر پاک کنند و نام‌های تازه‌ای به جای آنها بنویسند. اینکه اصولاً یک نفر پیشنهاد تغییر نام‌ها را در شورا مطرح کند و همه اعضا حتی بدون این که بپرسند به چه‌دلیلی نام خیابان تغییر کرده، دست‌های‌شان را بالا بپزند و رأی بدهند و در پاسخ به اعتراضات تنها به گفتن یک جمله بسنده کنند: «تصویب شده است، قانون است» را چگونه شده فهمید و تعبیر کرد؟ یکی از کارشناسان میراث فرهنگی سیرجانی که تمایلی به ذکر نامش ندارد، معتقد است:

«اسمی و نام خیابان‌ها در جغرافیای تاریخی هر شهر نقش پررنگی دارند. نام هر محله و خیابان براساس پیشینه تاریخی و فرهنگی آن شکل گرفته است و وجه تشبیه‌ای برای آنها وجود دارد.» به گفته وی و بسیاری دیگر از کارشناسان فرهنگی، «تغییر نام‌های خیابان‌ها به هویت تاریخی و فرهنگی شهر لطمه می‌زند اما در شورای شهر برای این انتقادات گوش شنوایی نیست و نام‌گذاری و تغییر اسمی معابر و اماکن بی‌برنامه و سلیقه‌ای است.»

این روزها در شورای شهر رأی‌گیری‌ها نه بر مبنای بررسی‌های کارشناسی که بر مبنای رأی کمسیون و بیشتر سیاسی است. نتیجه این که نام خیابان‌های شهر بسته به سلیقه چند نفر تغییر می‌کند. بعلمد که در زندگی روزمره تا مدت‌ها پس از این تغییر نام‌ها، کشمکش‌هایی است. عده‌ای تابلوها را می‌کنند، عده دیگر روی آن را با رنگ سیاه می‌کنند و نام قدیمی را می‌نویسند و با همه اینها عده‌ای همچنان اصرار دارند که نام خیابان‌های شهر را تغییر دهند. مردم و ساکنان البته به این تغییر نام‌ها معترض و بی‌اعتنایند و خیابان‌های شهر را با تغییر نام‌های بی‌معنی می‌خوانند که دوست‌شان دارند. به همان نام‌هایی که دهها سال با آن زندگی کرده‌اند و خاطره دارند. هنوز هم کمتر کسی است که چهارراه اشکنری را رضوی بخواند و بلکه فلکه گل محمدی، بگوید؛ چهارراه فلسطین!؛ در حتا همان‌هایی که این نام‌ها را تغییر داده‌اند، در سخنان روزمره و غیر رسمی‌شان نام‌های قدیمی این اماکن را به کار می‌برند. روزگاری طنز‌نویسی، اعضای فرهنگستان ارقامه داده بود که کدام یک از شما به فرزندش می‌گوید «ایمان را خاخوش کن» و این طنز روزگار ماست که همچنان ادامه دارد.

منشا

میرزا آلپ‌اندگی هوای مناطق مختلف استان که با پدیده گروغبار مواجه بودند، کشته شده‌است. گفت: «وضعیت آلپ‌اندگی هوای برخی از نقاط استان هنوز در حد خطرناک است.» رضانرینی زاده‌نامه داد: «یک استان گرد و غبار در شرق استان، کلون بیابان لوت در شمال استان، یک کلون غرب استان و در جنوب استان نیز تالاب خشک شده جازموارن است. خشکسالی‌های متمادی که در چند سال اخیر در استان کرمان داشتیم و همچنین از بین رفتن مراتع و منابع طبیعی علت گردوغبار‌های استان کرمان هستند.»

تشریح مقاله

حال مان خوب نیست!

مختلفه گرفتن آگهی برای کتال و... راه‌هایی هستند که برای خروج از وضعیت کنونی به ذهن‌مان می‌رسند با وجود شرایط اقتصادی کشور، این تصمیم‌ها صرفاً برای سرآماندن کالی است و موضوع مهم این است که شهروندان به عنوان مخاطبان نشریه در جریان وضعیت اقتصادی قرار بگیرند. مشکل کت‌شهرندان حتی به عنوان ارایه پیشنهاد و راهکار برای حفظ باق‌نشریه‌ها می‌تواند در این شرایط راهگشا باشد. بنگاههای اقتصادی با توجه به بالا رفتن هزینه‌ها، به راحتی کلای خود را گران می‌کنند و تلاش آنها برای کاهش نیافتن سود است اما ما در این بنگاه‌های فرهنگی برای بقا می‌جنگیم و هر راهکاری در شرایط کنونی ناظر به ماندن است نه سود بیشتر. پاسارگاد به عنوان نشریه‌ای با ۱۱ سال کار فرهنگی و همچنین سایر موسسات فرهنگی و رسانه‌ای با چالشی جدی روبرو هستند و این موضوع باعث شده حال ما خوب نباشد. وقتی از اتاق سردبیر بیرون آمدم حال همه‌ای ما بد بود. هر کدام از ما به نوعی بخشی از زندگی خود را اینجا گذاشتیم. فکر حذف هر کدام از همکارانمان و یا هر اتفاق بد دیگری برای‌مان تلخ و دشوار است. البته گمان می‌کنم ما در پاسارگاد تنها نیستیم و تعداد زیادی از شهروندان که مخاطبان و خوانندگان ما هستند، احتمالاً در کنار ما قرار دارند. نمی‌دانم تا چه حد در بین شهروندان جای داریم اما می‌دانم این فشارهای اقتصادی که این روزها تحملمان را طاق کرده می‌تواند تأثیر منفی بر یک صدای مستقل بگذارد.

روزی بخاطر

پیمانکه ۳۰۰۹۹۰۰۴۸۰۶

شماره تلگرام پاسارگاد ۰۹۲۱۷۵۱۹۲۹۰

تابلو و سابلان «جولیه ذیل از سوی شهرداری سیرجان داده شده‌است.

شهردار سیرجان با اشاره به حجم بالای تبلیغات محیطی غیرمجاز در سطح شهر توسط نه‌انخاص و صنف مختلف گفت: «با تبلیغات محیطی غیرمجاز در سطح شهر برخورد جدی و قانونی انجام می‌شود و این روند طی سال جاری بر اساس برنامه در دستور کار قرار دارد. همه تلاش‌ها برای پایداری بصری جمع‌آوری می‌شوند. بر اساس ماده ۹۲ قانون شهرداری‌ها نصب هر گونه تبلیغات سامان‌ها هستند. پوستر و بنرهای تبلیغاتی فاقد مجوز توسط شهروندان خصوصاً صاحبان مشاغل در تمامی اماکن شهر از معمار، میدان‌ها و نواحی امن شهر و در صورت عدم رعایت آن باعث برخورد قانونی عوامل اجرایی شهرداری می‌شود»

ضارسرشنو نیابا اشاره به ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی سلسله‌های تبلیغاتی شهری افزود: «صاحب‌گونه برزنت، پلاکاره، داراست، تابلوهای تبلیغاتی (بیلبورد، دیوان، اسکنده، حمی دیواری، پست‌بام ... و تابلوهای معرف کاربری مربوط به‌انخاص حقیقی یا حقوقی، دیوانوبسی، پوسترهای کالغی، و برجسب ... باید با مجوز شهرداری نصب شود و در غیر اینصورت ضمن جمع‌آوری توسط شهرداری مشمول جریمه خواهند شد»

برنامه‌آراییوبی و ده‌اساعت برنامه تلویزیونی.

در حال حاضر بارادوبی کرمان همکاری نمی‌کنید؟

الآن به‌طور مستقیم همکاری نمی‌کنم. دلایل هم مسایلی است که خیلی مناسب نیست عنوان شوند. اما در پشت پرده و به صورت کارشناسی دوستان تلاش می‌گیرند و در خدمت‌شان هستیم. مهم نبوده که مسایل و اطلاعات به نام من و توسط من گفته شود. اینکه نقل قول شود حتی اگر به نام خودشان هم گفته شود مشکلی نیست. آنچه‌برای بنده مهم است انعکاس تاریخ و فرهنگ کرمان است که محقق شود.

شناخت‌انشارات مرکز کرمان شناسی با مرکز کرمان شناسی متنتشر شده توسط مرکز تاریخ خُرد و منطقه‌ای است آیا تا به حال پیش آمده که دست‌ر د به کتابی بزنید که نگاه افراطی قومیتی و ناسیونالیستی داشته‌باشد.

تا به حال کتابی با چنین ویژگی‌هایی به پیش ما نیا آمده‌است که بخوایم تصمیم‌گیریم. متن‌تشر کنیم یا نکنیم؟ اما موردی آمده که بعد از انتشار کتابی گروهی آمدند و اعتراض کردند و تذکر دادند که نکته‌ای که در مورد فلان شخص یا طایفه نوشته‌اید درست نیست و اینچنین نبوده است. جاهایی که تذکرها جابجا بودند قطعاً ما اصلاح کردیم و جاهایی هم که تذکرست بودند ما تقهیم کردیم که نمی‌توان تاریخ را تحریف کرد و باید واقعیت‌ها نوشته شود. حتی اگر به مذاق عده‌ای هم خوش نیاید.

نظر تان در مورد فعالیت‌های تاریخی و فرهنگی سیرجان چیست؟

در جلسه نقد کتاب تاریخ و فرهنگ بلور عرض کردم که سیرجان یکی از استوانه‌های تاریخی و فرهنگی کرمان است و این موضوع سخن گزافی نیست. ما برنام‌هایی در این رابطه داشتیم و از شخصیت‌هایی که سیرجلی بودند نظیر: باستانی پاریزی، طاهره صفراوردی و قوفی و یختیاری بهره‌مند شدیم. ما این‌ها به‌استقلال بر این است که حرف‌نا گفته و سخن‌نوشته در مورد سیرجان بسازیم. است منتهی هستی لازم است. امیدوارم مرکز سیرجان شناسی به زودی راه‌اندازی شود و در این زمینه به‌صورت مستقل فعالیت کند. ما هم همه‌جور در خدمت‌شان هستیم که کار پر و بیامنی به‌انجام رسد.

در حین بازدید از جشنواره فرهنگی سیرجان، متوجه‌شدم غرفه خوشنویسان سیرجانی توجه‌شما را بسیار جلب کرد. شما خطاط هستید. از فعالیت‌های خوشنویسی خود بگوید.

بنده درآه مداری در خوشنویسی هستم. و بسیار هم علاقمند هستم. عادت کردم خودم قبل از اینکه بخوالم خوشنویسی تمرین می‌کردم پیش خود می‌گفتم یکی دو صفحه تمرین می‌کنم و می‌خواهم. اما مشکل اینجا بود که سحرگاه زمانی به خود می‌اندم که ساعت‌ها وقت خواب خود را صرف خوشنویسی کرده بودم. خوشنویسی خواب را از من ربوده بود. زندگی‌ام را مختل کرده بود. رهایش کردم.

حسین اطمنیان

وقتی یک‌شنبه‌بشبا در اوج طراحی سردبیر، تمام‌اضافی‌تحریریه را فرامی‌خولند، حتماً اتفاق مهمی رخ داده است. اولین گمان این است که فرد یا نهاده‌ی به دفتر زنگ زده و از سردبیر خواسته مطلبی چاپ نشود. وقتی همه آمدند و جلسه تشکیل شد، سردبیر با لحنی آندوهگین گفت: اوضاع مالی خراب و فشار اقتصادی امانمان را بریده است. او از بچه‌ها خواست اگر راهکاری دارند برای گذر از این شرایط ارایه دهند. نشریه مبلغ زیادی بدهی دارد، حقوق بچه‌ها و کرایه دفتر به عقب افتاده‌ست. قیمت کاغذ ۱۵۰ درصد و چاپ ۱۰۰ درصد. این‌ها را باید بپرسند، دست‌های‌شان را بالا بپزند و رأی بدهند و در پاسخ به اعتراضات تنها به گفتن یک جمله بسنده کنند: «تصویب شده است، قانون است» را چگونه شده فهمید و تعبیر کرد؟ یکی از کارشناسان میراث فرهنگی سیرجانی که تمایلی به ذکر نامش ندارد، معتقد است:

«اسمی و نام خیابان‌ها در جغرافیای تاریخی هر شهر نقش پررنگی دارند. نام هر محله و خیابان براساس پیشینه تاریخی و فرهنگی آن شکل گرفته است و وجه تشبیه‌ای برای آنها وجود دارد.» به گفته وی و بسیاری دیگر از کارشناسان فرهنگی، «تغییر نام‌های خیابان‌ها به هویت تاریخی و فرهنگی شهر لطمه می‌زند اما در شورای شهر برای این انتقادات گوش شنوایی نیست و نام‌گذاری و تغییر اسمی معابر و اماکن بی‌برنامه و سلیقه‌ای است.»

چه کسی باید جلوی این بخور بخور را در معن گل بگیرد؟ ما شهید دادیم که جلوی دزدی‌ها گرفته‌شود؟ ۳۱۷ کارمنان و کارگران ماندن دارندگان آینه‌تلویزیون و آشوب و اختلال در امور و نظام کار ایندیل احقاق حق و حقوق تسبیح شده خود از دولت براساس تورم فشار گسیخته موجود باشند. چون حق گرفتنی است و متسلفانه‌دانی نیست. امیولوزیم برداشت زمین نشود ۱۱۲

باید از یکمیلگر بالی دفاع مقنس به عنوان کارآفرین بشیرو تقدیر شود. این‌ها‌هی چهار طرف هر با کم‌وی ۴ ماه معیارت و کارآفرینی لازم دارند. کارآفرین از این دور ندیش تر سراع داریده ۲۰۵

فطران‌لای و روسای ستاده‌ای تختلانی آقای روحلی رحسل ۹۶ در این شرایط بد اقتصادی چه جلوی دارند به مردم بدهند؟ آیا همچنان سوزه‌نخما و کهنه دولت قبل فمضرات است. اجرای برام تمام مشکلات از جمله مشکلات اقتصادی حل می‌شود را می‌خواهید دنبال کنید؟ ۹۵۴

جولیه شهرداری:

این‌ها برودت‌هرچ بیلمک یکی از شهروندان به شماره ۱۲۱۰ در ستون روی خط صفحه ۲ شماره ۵۲۹ مورخ ۲ مهر ۹۷، مبنی بر حذف

گفت‌وگو با سیدمحمدعلی گلاب‌زاده مدیر مرکز کرمان شناسی؛

خوشنویسی خوابم را ربود، رهایش کردم

مرکز کرمان شناسی صاحب هیچ‌گونه ردیف و اعتبار نیست. مراکز زیادی نمونه مرکز کرمان شناسی داشتیم که به رغم اینکه دارای بودجه مشخص بودند نتوانستند به کار خودشان ادامه دهند



مخضی بودند. نتوانستند کار خودشان ادامه دهند. **در واقع بقیه از مرکز کرمان شناسی ایده گرفتند و تشکیل شدند.**
بله مرکز کرمان شناسی اولین بود. بعد از ما مرکز فرانسوی بود که آقای کزروش کمالی سرورستانی مسئولیت آن را بر عهده داشت و بعد مرکز یزدشناسی و بقیه مراکز. نکته دیگر این که مرکز کرمان شناسی نیز نمانت گرفته از مرکز کرمان شناسی بود. در یکی از جلسات شورای عالی کرمان شناسی دکتر حبیبی مهمان ما بود. وقتی ایشان فعالیت‌های وسیع و گسترده مرکز کرمان شناسی را دیدند عنوان کردند که بهتر است این چنین فعالیت‌هایی را گستر وسیع‌تری برایش قابل شوم و بنیاد ایران شناسی را راه‌انداختند. ایران شناسی چهار سال بعد از کرمان شناسی شروع به کار کرد.

یکی از کتاب‌های موفق شما کتاب «ن کرمانی و روشانی زندگانی» است، اینکه با وجود اینکه انبوه‌ر حال معروف کرمان کتابی در این حوزه تألیف شود بسیار جایز است.
مطلبی از مجد خوافی در این کتاب می‌خوانم که نوشته بود: زن مخواه مگر کرم‌لی باشد. اینکه شخص بزگی مجد خوافی که در زمان ترکان خاتون در دلشگاهه‌های سبیز کرمان تدریس می‌کرده این چنین تجلیلی از زن کرم‌لی می‌کند من تصمیم گرفتم مقاله‌ای درمورد‌ه صفح‌لی در مورد زن کرم‌لی بنویسم. وقتی قلم به دست